

[اقوال عامه در مسأله 1](#_Toc510436170)

[قول اول: عدم ثبوت حق قصاص در موارد تعدد قاتل 1](#_Toc510436171)

[قول دوم: محدودیت قصاص به واحد 2](#_Toc510436172)

[قول سوم: قصاص جمیع جنات بدون رد فاضل دیه 2](#_Toc510436173)

[قول چهارم: عدم ثبوت قصاص و دیه 2](#_Toc510436174)

[قول پنجم: قصاص متعدد در صورت تبانی بر قتل 2](#_Toc510436175)

[مبحث دوم: پرداخت فاضل دیه 3](#_Toc510436176)

[ضابطه شرکت 4](#_Toc510436177)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/ضورت ششم/اشترااک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

در راستای مباحث مشارکت در قتل، بحث ضابط و ملاک تحقق فرض مشارکت بحث مهمی است که احتیاج به دقت نظر دارد.

بحث در مسأله مشارکت در قتل، و تعدد قاتل به این جا منتهی شد که در فرض تعدد جنات، در صورت تأثیر هر یک به نحو جزء علت قتل، قصاص بر هر کدام ثابت است و استیفای قصاص از متعدد منوط به رد فاضل دیه است که ولی دم مخیر است بین قصاص از متعدد با رد فاضل دیه و ترک قصاص و مطالبه دیه و حتی تفصیل نسبت به اینکه از برخی جنات قصاص کند و از برخی هم مطالبه دیه بنماید؛ این قول، در بین فقهای امامیه وجود دارد و حتی برخی از عامه هم به آن قائل شده اند، منتهی برخی از عامه نیز، اقوال دیگری در مسأله دارند که به پنج قول می رسد.

###### اقوال عامه در مسأله

قول اول: عدم ثبوت حق قصاص در موارد تعدد قاتل

برخی از عامه معتقدند که در موارد تعدد جنات در قتل، هیچ حق قصاصی برای ولی دم ثابت نیست و قصاص محدود به موردی است که قاتل متعدد نیست؛ کما اینکه مقتضای اطلاقات ادله ثبوت قصاص بر قاتل هم عدم قصاص این افرادی است که مجموعا قاتل محسوب می شوند و بر هیچ یک از آنها به تنهایی عنوان قاتل صادق نیست.

قول دوم: محدودیت قصاص به واحد

قول دیگری هم که در میان عامه به چشم می خورد، اختصاص حق قصاص به یکی از جنات موجود در قضیه و مطالبه دیه از باقی آنها می باشد؛ کما اینکه مقتضای روایت ابو العباس[[1]](#footnote-1) نیز که برخی آن را حمل بر تقیه نموده اند، این گونه بود.

قول سوم: قصاص جمیع جنات بدون رد فاضل دیه

با وجود اینکه ولی دم، مستحق قصاص نسبت به کل این جنات نیست، بلکه از هر کدام حق مطالبه و قصاص جزئی از جنایت دارد؛ و از طرفی با توجه به اینکه مثلا در موارد اشتراک ده نفر در قتل، و استحقاق هر کدام نسبت به عُشر جنایت، قصاص این مقدار ممکن نیست، لذا ولی دم می تواند همه این جنات را بدون رد هیچ مالی قصاص نماید، کما اینکه در اعاده مال غصبی به مالک نیز اگر این اعاده مستلزم خسارتی اعظم به غاصب هم باشد، لازم الاجراء است، در این گونه موارد نیز قصاص صورت می گیرد. به عنوان مثال همان گونه که مطالبه آجر غصبی استفاده در زیربنای یک ساختمان از سوی مالک آن، موجب تخریب این ساختمان و اخذ این مال غصبی می شود، در موارد اشتراک در قتل نیز مطالبه قصاص از سوی ولی دم مستلزم قتل جمیع است.

قول چهارم: عدم ثبوت قصاص و دیه

مرحوم صاحب جواهر قدس سره در آخر مسأله به دو قول دیگر از عامه نیز اشاره نموده است که یکی از آنها عدم ثبوت هیچ چیزی بر عهده جنات متعدد است.

قول پنجم: قصاص متعدد در صورت تبانی بر قتل

قول دیگری هم که به عامه نسبت داده شده است، تفصیل بین جایی است که جنات متعدد تبانی بر قتل داشته باشند و فرضی که چنین تبانی وجود ندارد که ثبوت قصاص بر این جنات مبتنی بر وقوع فرض اول است.[[2]](#footnote-2)

اما به نظر مرحوم صاحب جواهر قدس سره هیچ یک از این اقوال، تام نیست و وجهی ندارد.

#### مبحث دوم: پرداخت فاضل دیه

همان طور که گذشت، به غیر از مسأله قصاص متعدد، در این مبحث مسأله رد فاضل دیه نیز مطرح است، که بر اساس آن هر خون هر یک از جانیان در صورت قصاص به مقدار جنایت، ملغی و زائد بر آن مضمون بر ولی دم است، لذا در جایی که دو جانی شخصی را به قتل رسانده اند، هر یک از این دو جانی نسبت به نیمی از حیات خود که مهدور است، حقی ندارند، اما نسبت به به نیمه دیگر، حق مطالبه از ولی دم برای ورثه این جنات باقی است.

اما در مواردی که دو زن یک مرد را به قتل رسانده اند، فاضل دیه موضوع ندارد؛ کما اینکه در قتل مرد واحد توسط یک زن و یک مرد، تنها نسبت به مرد قاتل، حق مطالبه نیمی از دیه ثابت است.

بنابراین، اگر بنا شد همان گونه که در روایات آمده است، حق قصاص با فاضل دیه ثابت باشد، در موردی که شخص واحد توسط ده جانی به قتل رسیده باشد و در این میان، ولی دم مطالبه قصاص در مورد یکی از این جنات را دارد، در مجموع یک دیه با کسر عُشر آن، توسط نُه جانی دیگر به جانی مورد قصاص تعلق می گیرد. اما در جایی که سه جانی مرتکب قتل شخص واحدی شده باشند و ولی دم قصد قصاص دو نفر از آنها را دارد، در این صورت طبق قاعده فوق، می بایست به هر یک از این دو جانی، ثلثین دیه داده شود و در مجموع یک دیه و ثلث، از سوی ولی دم پرداخت می شود، در حالی که تنها ثلث دیه را از جانی سوم که قصاص نشده است، اخذ می کند و ما بقی را باید رأسا بپردازد.

اما مرحوم کاشف اللثام، بر خلاف این قاعده و بر خلاف مشهور، بعد از اخذ ثلث دیه از جانی معفو، وظیفه اولیای دم را تکمیل دیه کامل می داند. این در حالی است که مرحوم صاحب جواهر ره این فرمایش را بر خلاف ضوابط دانسته است و توجیه می کند به این که ممکن است مراد از تکمیل در کشف اللثام، تکمیل ثلثین دیه برای هر یک از دو جانی باشد.[[3]](#footnote-3)

به نظر می رسد که منشأ تخیل مرحوم فاضل اصفهانی ره در مقام هم این بوده است که در قصاص متعدد و زائد بر مقتول، ولی دم فقط موظف به پرداخت دیه زائد است که این قضیه در مواردی که دو قاتل وجود دارد، روشن است، اما در این گونه مواردی که تعداد جنات سه نفر هستند؛ قضیه دارای پیچیدگی می شود، اما باید توجه نمود که مراد فقها از اینکه رد فاضل دیه در قصاص زائد بر واحد، لازم است؛ این است که می بایست به مقدار زاید، خود ولی دم اقدام به تأمین دیه نماید، و در نتیجه در این گونه موارد علاوه بر پرداخت دیه معفو، یک دیه کامل نیز باید به ورثه دو قاتل مورد قصاص پرداخت شود. کما اینکه در صورت وقوع قتل از سوی چهار قاتل و قصد قصاص سه نفر از آنها، ولی دم موظف به پرداخت دو دیه کامل و ضمیمه آن به ربع دیه معفو است. بر این اساس به نظر می رسد که ایشان دچار خلط شده است و به طور مطلق، قائل به ضمیمه دیه اخذ شده از معفو به دیه ولی دم شده باشد، در حالی که این اطلاق و انحصار همان طوری که گذشت در برخی موارد درست نیست.

#### ضابطه شرکت

مرحوم محقق قدس سره در شرایع، بحث ضابطه شرکت را مطرح نموده است، در حالی که مرحوم آقای خویی ره به هر دلیلی و یا از روی غفلت به این بحث نپرداخته است.

ایشان معیار شرکت را تحقق یکی از دو امر می داند که در امر اول، بحث از وجود علیت تامه در قتل در هر یک از دو طرف می باشد به گونه ای که «لو انفرد» در مرگ مجنی علیه تأثیر خواهد داشت؛ مثل قطع دست یا پا و در امر دوم، بحث از جایی است که استقلال در تأثیر نسبت به قتل در هیچ یک از دو جنایت وجود ندارد، منتهی این جنایات به ضمیمه یکدیگر و به نحو جزء الموثر منشأ موت و سرایت به آن می شود؛ که به نظر ایشان در این دو صورت معیار مشارکت در جنایت وجود دارد.[[4]](#footnote-4)

در مرحله بعدی هم، بحث را از این زاویه پی می گیرد که آیا معیار در تعدد، تعداد رؤوس است یا این که مقدار جنایت و سهم هر یک از این رؤوس هم در جنایت مهم است؟ که همان طوری که در گذشته بیان شد؛ مشهور در بین فقها این است که معیار در این موارد، رؤوس است؛ «کما یدعی علیه الاجماع»، ولی آنچه در قانون مجازات آمده است، معیاریت مقدار جنایت می باشد.

1. . [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص285.](http://lib.eshia.ir/11005/7/285/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص68.](http://lib.eshia.ir/10088/42/68/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص67.](http://lib.eshia.ir/10088/42/67/) [↑](#footnote-ref-3)
4. . [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص187.](http://lib.eshia.ir/71613/4/187/) [↑](#footnote-ref-4)